بررسی تعدادی از خرافات قرآن

اول در مقدمه خلاصه ای از کل مطلب را ارایه می دهم بعد مطلب را بیشتر باز می کنم:

از نظر قرآن خورشید و ماه در بین طبقات آسمان قرار دارند (نوح/15) و سایر ستارگان، زینت آسمان پائینی هستند(صافات/6)؛ پس برای رفتن به ماه باید از تمام ستارگان آسمان عبور نمود. آیا داستان جن، چیزی جز خرافه است؟ در همین داستان خرافی، خرافات بسیاری را مشاهده می‌نمائیم که پرتاب شهاب سنگ از سوی الله، برای زدن به جن ها، استراق سمع نمودن جن ها از دربار الهی و روی صندلی نشستن در کنار آسمان، نمونه‌ای از این خرافات است(جن/9)و صافات/9)و ادامه‌ی آیات. همچنین لمس نمودن آسمان از سوی جن ها(جن/8) آیا این خرافه نیست که در زیر زمین ، جائی به نام ثری (طه/6)که زمین بر آن قرار دارد ، الله را سجده میکند قرآن تصور می‌کند که ماه باریک و کلفت می‌گردد (یس/38) و با حرکتش به دور زمین، الله را سجده می‌نماید. ستارگان هم الله را سجده می‌نمایند، زیرا به دور زمین در حرکتند . اما قرآن هرگز نگفته است که زمین ، الله را سجده می‌نماید، زیرا تصور می کند زمین ثابت است. اگر الله آسمان را رها نماید، بر روی زمین سقوط می‌کند (فاطر/41) و این الله است که آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد، پس او را شاکر باشید(حج/65) ضمنا هر لحظه ممکن است تکه‌ای از آسمان بر زمین بیفتد(طور/4) از دید قرآن ، زمین و آسمان در ابتدا به هم چسبیده بودند ،که الله آسمان را بلند کرد و آنرا بالا برد (انبیاء/30) ابر از آسمان میروید(نمل/25) و در آسمان دریائی است شیرین به نام معصرات که باران از آنجا می‌بارد. ، که باران از آنجا میریزد(عم/14) و از برخورد این دو دریاست که مروارید و مرجان درست تشکیل می‌گردد. این همان اعتقاد قدماست که بیان می‌شود، مروارید از برخورد قطرات باران، بر دهان صدفها شکل می‌گیرد(این اعتقاد را شایدهنوز بابا بزرگ شما هم داشته باشد) (رحمن/22) و آیات قبل و بعدش.. در ضمن به این ادعا که رب المشرقین و رب المغربین، دلیلی بر کروی بودن زمین است، پاسخ داده خواهد شد.در ادامه قرآن می گوید خورشید و ماه بسیار دورتر از سایر ستارگان هستند (صافات/6) قرآن می‌گوید که ما آسمان (و نه آسمان های) دنیا را به ستارگان زینت دادیم: إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (صافات/6) ما آسمان دنیا (منظور قرآن پائینی است) را با ستارگان تزیین کردیم. در این آیه گفته شده که ستارگان زینت آسمان هستند و تمام ستارگان، در آسمان دنیا(پائین) قرار دارند. درسوره فصلت/12 نیز عینا به این مسئله اشاره شده: فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاء أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (فصلت/12) در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و آنچه را میخواست در هر آسماني مقدر فرمود، و آسمان دنیا (پائین) را با چراغهاي (ستارگان)(اگر واقعا منظور ستاره باشد) زینت بخشیدیم و به وسیله پرتاب شهاب سنگها از استراق سمع شیاطین حفظ کردیم، این است تقدیر الله دانا. اما: أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (نوح/14) آیا نمی بینید چگونه خداوند هفت آسمان را یکي بالاي دیگري آفریده ؟ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (نوح/15) و ماه را در میان آسمانها مایه روشنائي، و خورشید را چراغ فروزاني قرار داده است می‌گوید که ماه را در بین این طبقات، نور و خورشید را فانوسی روشن قرار داد که تاریکی را ازبین می‌برد. با اندکی تامل در این آیات، متوجه می‌شویم که که خورشد و ماه در بین طبقات آسمان هستند، نه در طبقه‌ای از آسمان که سایر ستارگان قرار دارند. پس کل ستارگان دنیا، در پائین‌ترین آسمان، قرار دارند. لذا برای رفتن به کره‌ی ماه، باید از تمام ستارگان عبور نمود و همچنین باید از آسمان دنیا گذشت، البته این موضوع از نظر خود قرآن، غیر ممکن است؟ به خرافه‌ای دیگر در مورد جنها توجه فرمائید. این یکی شاه خرافات است بخوانید و لذت ببرید: نگهبانان آسمان با شهاب سنگ , جن ها را می‌زنند. برخی از جنها که تازه مسلمان شده بودند به پیامبر اسلام تعریف می‌کردند که پیش از آمدن اسلام، ما(جن ها) آزاد بودیم که با سوار شدن بر کول همدیگر، تا آسمان طبقه‌ی هفتم پیش رویم(چه قدرتی!)؛ پس از لمس آسمان, اقدام به استراق سمع می‌کردیم و به مردانی از اهل زمین که به ما پناه می‌بردند، این اطلاعات را منتقل می‌کردیم. آنها با استفاده از این اطلاعات غیبی، به گمراه کردن دیگران مشغول بودند. الله هم در آنها سرکشی را زیاد کرده بود. تا اینکه یک شب که مانند همیشه، برای استراق سمع اقدام به سوار شدن بر روی هم نمودیم, همینکه بالا رفتیم، با شهاب سنگهائی مواجه شدیم و دیگر توانائی رسیدن به آسمان را نداشتیم؛ ما نمی‌دانستیم که الله برای زمین خیری می‌خواهد یا شری در راه آنهاست. با شنیدن صدای قرآن، دانستیم که الله برای ساکنان زمین (جن و انس) خیری در نظر گرفته که آنها را هدایت نماید؛ لذا به شما(محمد) ایمان آوردیم؛ البته قاسطون ما ایمان نیاوردند، الله هم برای آنها جهنم مهیا نموده است. داستان زیبایی بود! در این جا توجه شما را به آیات مورد نظر در متن قرآن جلب می کنم:

(آيات نخست سوره ی جن): اقُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (جن/1) بگو به من وحي شده است كه جمعي از «جن» به سخنانم گوش فرا دادهاند، سپس گفتهاند: ما قرآن عجيبي شنيدهايم! يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا كه به راه راست هدايت ميكند، لذا ما به آن ايمان آوردهايم، و هرگز احدي را شريك پروردگارمان قرار نميدهيما وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا و اينكه بلند است مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز براي خود همسر و فرزندي انتخاب نكرده است وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا و اينكه سفيهان ما درباره الله سخنان ناروا ميگفتند وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا و اينكه ما گمان ميكرديم كه انس و جن هرگز دروغ بر الله نمیبندند وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه مىبردند و بر سرکشی آنها مىافزودند وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا و اینکه آنها گمان کردند همانگونه که شما گمان میکردید که خداوند هرگز كسي را (به نبوت) مبعوث نمی کند وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاء فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا و ما آسمان را لمس نمودیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهائی از شهاب سنگ یافتیم وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا و همانا ما می نشستیم که در مکانی که جایگاه نشستن بود و گوش (به حرفهای داخل آسمان) میدادیم اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند شهاب سنگي را در کمین خود مییابد وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا و ما نمىدانیم که آیا برای کسانی که در زمینند بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایتخواسته است وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن و ما فرقههایی گوناگونیم وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا و ما مىدانیم که هرگز نمىتوانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم و هرگز او را با گریز [خود] درمانده نتوانیم کرد وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُوْلَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود.

نکتهای که در آیات بالا جالب این است که جن ها در کنار آسمان، صندلی داشتند و با نشستن بر آنها، آسمان را لمس میکردند. چه خرافه ای بالاتر از این داستان؟ همچنین در سورهی صافات به ای مسئله اشاره میکند:

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (صافات/7) ما آسمان دنیا را با ستارگان زینت دادیم وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (صافات/8) و از هر شیطان سرکشی محفوظ داشتهایم لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ(صافات/9) به [اسرار] ملأاعلی گوش نتوانند داد و از هر طرف به سویشان (با شهاب سنگ) پرتاب میشود دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (صافات/10) به راندنی سخت، و عذابی پاینده [در پیش] دارند إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (صافات/11) مگر کسی که ربایشی برباید (اطلاعاتی بدست آورد و فرار کند) که در این صورت شهاب سنگی درخشان به سویش پرتاب میگرددا

آیا این خرافه نیست که بپذیریم، الله شهاب سنگ را به قصد زدن به جن ها پرتاب مینماید؟من در مورد این خرافه تحقیقاتی کردم جالب است که به نوشته هایی برخوردم که این اعتقاد خرافی را که در زمان قاجار بسیار هم معروف و عامه پسند بوده را شرح داده بودند! باورش سخت است ولی واقعیت دارد در کتاب کویر دکتر علی شریعتی به این موضوع اشاره شده و همچنین کویر نشینان به این خرافه کاملا معتقد بوده اند دلیل اعتقد راسخ آن ها مشهده کردن این مطلب با چشم خودشان بوده چونکه آسمان کویر صاف است و شهاب سنگ ها کاملا قابل رویت اند بیچاره ها بعد از هر شهاب سنگی که به جو برخورد می کرده فریاد الله اکبر سر می دادند و شادی می کردن که الله یک جن دیگر را هم زد! توجه کنید که پیامبر ما هم در کویر عربستان می زیسته! توضیحی اضافه نمیدهم داوری با شماست.از نظر قرآن حرکت خورشید باعث پیدایش شب و روز میگردد, در یس/37و 38 به روشني به این امر اشاره شده:

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ و خورشيد كه پيوسته به سوي قرارگاهش در حركت است، اين تقدير الله قادر و دانا است وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ وبرای ماه منزلهایی معین کردهایم تا چون شاخك خشك قوسی شکل خوشه خرما برگردد

/قرآن تصور میکرد که خود ماه باَریک میگردد) قران در ادامه خورشید را مانند ما تصور مینماید که در فلک(فضای مدور) در حال گردش است:

لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (یس/40) نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند.

پس ازبحث چگونگی پیدایش شب و روز , بیان شده که خورشید جهت رسیدن به محل استقرارش یا محل سجده کردنش یا طبق قول بعضی ها دائما در حرکت است , تا اینکه قیامت برسد و در آن هنگام است که استقرار می یابد در حرکت است؛ دلیلش را نیز در زمر/5 باید جستجو کرد:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را بر روز میپیچد، و روز را بر شب، و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد، هر کدام تا اجل مسمی (مدتی معین) به حرکت خود ادامه میدهند، آگاه باشید او قادر بخشنده است .

ا همچنین در رعد/2 باز به این موضوع اشاره شده است:

اللهُّ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الأَمْرَ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاء رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ الله همان كسي است كه آسمان را بدون ستونی که می بینید(همانگونه که میبینید) نسیت آفرید سپس بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را مسخر ساخت كه هر كدام تا زمان معيني حركت دارند كارها را او تدبير ميكند آيات را تشريح مينمايد تا به لقاي پروردگارتان يقين پيدا نمائيد.

اگر بپذیریم که ماه دارای مسیر دایره‌ای (فلکی) شکلی است که به دور زمین می‌گردد, پس خورشید نیز باید مانند ماه دارای همین مسیر باشد. الله ستارگان را برای این خلق کرده تا ما در تاریکی(شب) خشکی و دریا, راهمان را گم نکنیم:

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ انعام/97) و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا را به یقین ما دلایل را برای گروهی که مدانند به روشنی بیان کردهایم

همه‌ی ستارگان مشغول سجده کردن الله هستند:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَّ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللهَُّ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللهََّ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ حج/18 آيا نديدي كه سجده ميكنند براي الله تمام كساني كه در آسمانها و زمين هستند و همچنين خورشيد و ماه و ستارگان و كوهها و درختان و جنبندگان، و بسياري از مردم، اما بسياري ابا دارند و فرمان عذاب در باره آنها حتمي است، و هر كسي را الله خوار كند كسي او را گرامي نخواهد داشت، خداوند هر كار را بخواهد انجام ميدهد!

سجده‌ی ماه، خورشید و ستارگان، هنگامی است که در مسیر گردششان بدور زمین، به پائین ترین جائی که خورشید در هنگام گرش بدور زمین, به آن نقطه می‌رسد و زمین بر روی آن قرار دارد می‌رسند.قرآن با اصرار اعتقاد دارد زمین بر روی پدیده‌ای موهوم به نام ثری قرار دارد. البته شاید خیلی‌ها ندانند که ثری کجاست. قرآن در طه/6 دقیقا به این نقطه اشاره کرده است:

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى برای اوست (الله) آنچه را که در آسمانها و زمین و آنچه که بین این دو است و آنچه که پائین ثری است.

اما هرگز قرآن نگفته که زمین برای الله سجده میکند, زیرا زمین را ثابت می‌داند:

وَللهِِّ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ رعد/15همه آنها كه در آسمانها و زمين هستند از روي اطاعت يا اكراه و همچنين سايههاي آنها – هر صبح و عصر – براي خدا سجده مي كنند. اگر الله آسمان را رها کند , روی زمین می افتد!

باور ن: الَمْ تَرَ أَنَّ اللهََّ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاء أَن تَقَعَ عَلَى الأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللهََّ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ حج/65 آيا نديدي كه الله آنچه در زمين است مسخر شما كرد؟ و كشتي ها به فرمان او بر دريا حركت ميكنند و آسمان را نگه ميدارد تا بر زمين، فرو نيفتند مگر به اذن او الله نسبت به مردم رحيم و مهربان است ا نَّ اللهََّ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا فاطر/41 همانا الله است که گرفته است آسمانها را که بر روی زمین نیفتد و اگر افتادند, کیست غیر از خدا این دو را یگیرد اوست آمرزنده ی بردبار؟

آسمان طبق قرآن، دارای جرمی است که هر آنگاه ممکن است تکه‌ای از آن به زمین بیفتد خرافه بیشتر از این؟ حالا چرا قرآن این قضه را مطرح می کند جوابش را بخوانید: زمانیکه پیامبر اسلام، شروع به دعوت مردم به اسلام نمود؛ دگراندیشان

(کفار) می‌گفتند که اگر شما راست می‌گوئید؛ از الله بخواه تا تکه‌ای از آسمان را پائین بیندازد. قرآن در پاسخ آنها گفت که اگر من این کار را انجام دهم، شما هنگامیکه این تکه از آسمان را مشاهده نمودید، خواهی گفت که ابری است متراکم:
وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ و اگر ببینند که تکه ای از آسما در حال سقوط است میگویند ابری متراکم است

ا خب حالا با هم خرافه بعدی را بررسی می کنیم: ابتدا آسمانها به زمین چسبیده بودند! از نظر قرآن، ابتدا زمین را آفریده شد و سپس الله بر روی زمین قرار گرفت و آسمان را خلق نمود, در این هنگام بود که این دو به هم چسبیده بودند, سپس آنرا (آسمان) بالا برد در سوره نازعات/30 و آیات قبل از آن (ءانتم اشد خلقا ام السماء بناها / رفع سمکها و سواها) این موضوع را قرآن آشکارا در انبیاء/30 می‌گوید:
أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ آیا کفار ندیدند(نمیدانند) که آسمان و زمین(نه زمین ها) (در ابتدا) به هم چسبیده بودند, پس ما آنها را از هم جدا کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا ایمان نمی‌آورند

ا این آیه، نشان می‌دهد که همگان چنین تصوری از آسمان را داشتند ، زیرا قرآن این را علم می‌نامد. در آن زمان طبق بعضی از اسطوره‌های یونانی , گمان می‌کردند که آسمان و زمین در ابتدا به هم چسبیده بودند و سپس یکی از اله های آنها, آن دو را از هم جدا کرد. ابر از دریای آسمان (معصرات) می‌روید این هم یکی دیگر از خرافات اسلامی. الله آب باران را مسقیما از دریای آسمان (معصرات) نازل می‌کند:
وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا(عم/14) اگر قرآن را بخوانیم متوجه خواهیم شد که در دنیا دو دریا وجود دارد , یکی دریای زمینی و دیگری دریای آسمان , دریای زمینی برای صید و کشتیرانی است و دریای آسمان برای بارش باران آفریده شده است: هیچنین یکی از این دریاها شیرین و یکی دیگر شور می‌باشد: وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا فرقان/53 اوست کسی که دو دریا را به سوی هم روان کرد این یکی شیرین [و] گوارا (دریای آسمان که آب باران از اوست) و آن یکی شور [و] (دریای زمینی) است و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد

بر طبق همین آیه، الله معتقد است آب باران از دریای آسمان سرازیر می‌گردد منشا این داستان را به راحت می توانید در اساطیر یونانی قبل از اسلام و داستان های فارسی بعد ار اسلام بیابید. با توجه به اینکه وصف هر یک ار دو دریا را بیان می‌کند؛ کاملا آشکار است که منظور چیست و لزومی به شرحی اضافه را در اینجا نمی‌بینم.خرافه بعدی : الله ابر را به عنوان روئیدنی آسمان معرفی میکند, در نمل /25 گفته شده که الله هم از زمین میرویاند (گیاهان) و هم از آسمان می رویاند(ابر) .برای جلوگیری از سفسطه اسلام گرایان بیشتر توضیح می دهم: در قرآن هر جا که از کلمه‌ی نزول استفاده شده، نازل شونده مستقیما از سوی خودش(الله) پائین می‌آید. چیزهائیکه مستقیما از طرف الله نازل شده‌اند عبارتند از: نور(نساء/174) , من و سلوی (اعراف/160)(غذائی مخصوص برای بنی اسرائیل), کتاب (مائده/145)(قرآن) , ترازو (حدید/25) , آهن(حدید/25, لباس (اعراف/26) و باران (فرقان/48). در قرآن آمده است که ما آب را از معصرات نازل می‌کنیم:
وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا(عم/14) اگر کسی اعتقاد داشته باشد که الله هر کدام از اینها را از آسمان نازل نکرده؛ کافر است. خواه آهن باشد یا قرآن، لباس، ترازو و باران, هیچ تفاوتی در کیفیت پیدایش آنها نیست. در داستان طوفان نوح نیز به روشنی اشاره شده که ما در آن هنگام , در آسمان را باز کردیم و آب با شدت تمام بر زمین ریخت:
فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (قمر/11) آنگاه درهای آسمان را به آبی سیلآسا گشودیم.

اگر از دید قرآن, باران ناشی از تبخیر دریاهاست؛ در آن صورت در جریان طوفان نوح امکان نداشت که کل گیتی را آب فرا گیرد و هیچ خشکی بر جای نماند دوستان گرامی دقت کنید که در قرن بسیت و یکم هنوز محققان هیچ نشانه ای از داستان نوح نیافته اند مگر امکان دارد کل زمین را آب بگیرد و هیچ لایه ای یا اثری از نابودی جنگل ها یا برخی از گونه ها که به قطع در ناحیه جغرافیایی نوح زندگی نمی کردند نباشد داستان نوح بسیار خنده دار است من دلیلی نمی بینم که بخواهم شرح بدهم که چه قدر بی دلیل است. خرافه‌ای دیگر در مورد چگونگی پیدایش مروارید در قدیم گمان می‌کردند که هرگاه باران می‌بارد صدفها از درون دریا بیرون می‌آیند و دهنشان را باز می‌کنند تا قطره‌ی باران، در دهانشان بیفتد و هر صدفی که قطره‌ای باران در دهنش افتاد؛ درون او مروارید تشکیل می‌گردد این یکی هم بسیار شهرت دارد و آثارش هنوز در شعر معاصر دیده می شود البته به عنوان یک اعتقاد دیرینه. قرآن خیلی جدی به همین نکته اشاره می‌کند:

مرج الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (رحمن/19) دو دریا را روان کرد که با هم برخورد کنند بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (رحمن/20) میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمىکنند فَبِأَيِّ آلَاء رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (رحمن/21)پس كدام يك از نعمتهاى پروردگارتان را منكريد يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (رحمن/22) از (برخورد) این دو دریاست که مروارید و مرجان پدید میاید(رحمن /)22

استدلال مدعیان روشنفکری دینی اما عده‌ای در بیان کروی بودن زمین، استدالهائی می‌آورند که نه پیامبر اسلام؛ چنین فهمی از قرآن داشته است و نه ائمه, انگار اینان از آنها در این زمینه داناترند یعن می فرمایند پیامبر از گالیله هم ترسوتر بوده . یکی از این استدال های روشنفکران! دینی رب المشرقین و رب المغربین است؛ تصوری که ما از شرق داریم، با تصور پیشینیان، کاملا متفاوت است. کلمه‌ی شرق در قرآن یک بار بصورت فعل در زمر/69 آمده: (و اشرقت الارض بنور ربها و وضع ....) ودر بیان آغاز روز قیامت است, پس از تاریکی مطلقی که جهان را فرا می‌گیرد، قرآن می‌گوید که زمین با نور پروردگارش، آغاز به نورانی شدن نمود. همانگونه که مشاهده می‌کنیم؛ شرق به معنای آغاز به روشن شدن است. شرق با مشرق اگرچه اکنون به نظر ما دارای یک معنا هستند؛ اما در عربی، هرکدام دارای معنای خاصی می‌باشند. در قرآن کلمه‌ی شرق و مشتقات آن 16 بار آمده, شرق معادل جهت و مشرق (محل آغاز روشن شدن) اسم مکان است و اشاره به نقطه ی خاصی دارد . با ملاحظه‌ی مکان طلوع خورشید که در هیچ دو روز متوالی از یک نقطه طلوع نمی‌کند اگر هر روز برای نماز صبح بیدار می شوید خودتان می توانید این را بررسی کنید,وقتی خورشید هر روز از نقطه متفاوتی طلوع کند مشرق های زیادی در ذهن تجلی می‌شود که قرآن از آنها به عنوان مشارق یاد می‌کند. اما در قدیم, آخرین نقطه‌ای که خورشید به سمت شمال می‌رود و از آنجا طلوع می‌کند را مشرق تابستان و آخرین نقطه‌ای که خورشید به سمت جنوب می‌رود و از آنجا طلوع می‌کند را مشرق زمستان می‌نامیدند، آنها معتقد بودند که دو مشرق وجود دارد: یکی مشرق تابستان و دیگری مشرق زمستان. الله خود را رب این دو مشرق می‌نامد, در جاهای دیگر, خود را رب مشرق هائی که مابین این دو است نامیده. همین دلیل عینا برای مغربین و مغارب نیز صادق است. اما اکنون عده‌ای برای این که بتوانند خودشان را گول بزنند و به عقاید پوسیده 1400 سال پیش پایوند بمانند و همچنین از راه در خرافه نگه داشتن مردم ساده دل قدرتی به هم بزنند(که در قالب ج.ا به همه چیز رسیدندثروت های مملکت را به تارج برده و می برند هزاران جوان بی گناه این مرز و بوم را به دست طناب اعدام سپردند و می دهند) , فهمی را از این آیات ارائه می‌دهند که نه پیامبر و نه ائمه و نه هیچ یک از علماء قدیمی آنرا نفهمیدند, اینان در بیان توجیه خویش , خود را از پیامبر اسلام، داناتر و او را حتی از گالیله ترسوتر می‌دانند. اگر مفهوم این آیات چنین بود؛ چرا پیامبر اسلام جهان را با سکوت خویش, اینقدر از قافله‌ی علم عقب انداخت؟ البته دلایل دیگری نیز می‌آورند, اما روی منطق یاد شده‌ی بالا زیاد مانور می‌دهند و آنرا محکمترین دلیل می‌دانند.

خودتان قضاوت نمائید.

با تشکردوستانه از وبلاگ عزیز اسلام شاسی که من این مطلب را از آنجا پیدا کردم و گسترش دادم